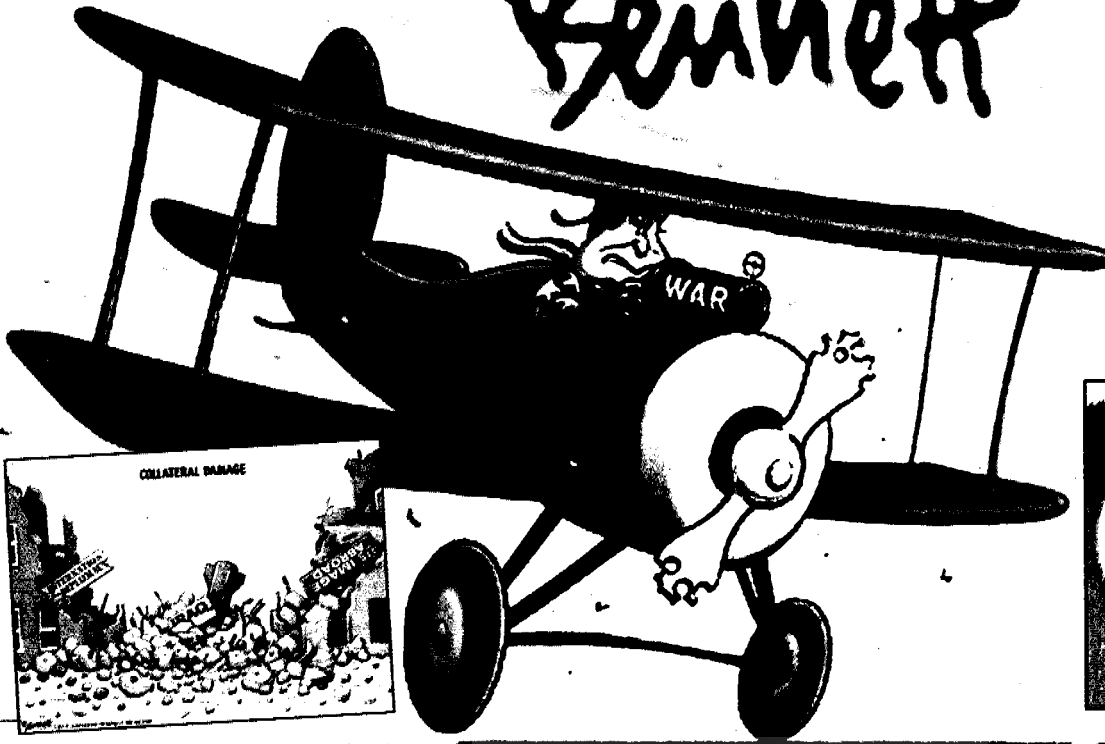
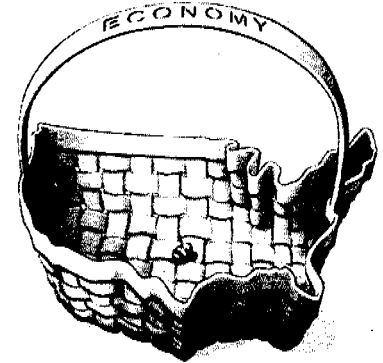
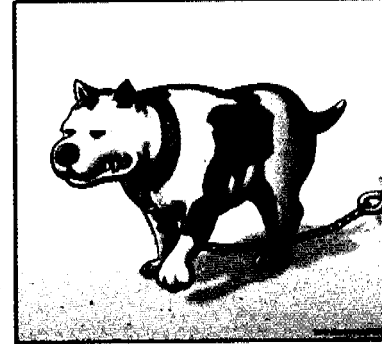
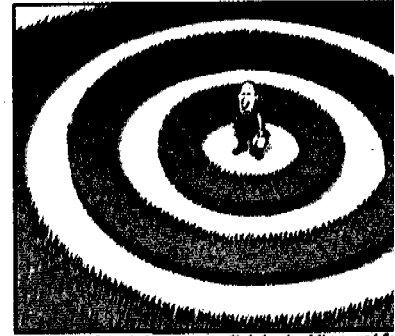
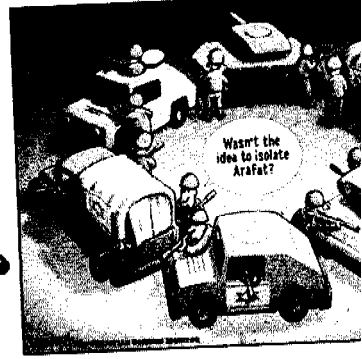


Bennett



کلی بنت، سردبیر و کاریکاتورگراف روزنامه ی «کریستین ساینس مونیتور» هر روز پله های ترقی را یکی پس از دیگری طی کرده و به عنوان یکی از پیشگامان کاریکاتور آمریکا مطرح شده است. امروزه، منتقدین هنری او را با چهره های درخشان هنری ای چون توماس ناست، هومود دونور (Da-ven port)، جان تی مک کوتن (Cutheen) هربرت بلاک، بت اولیفات و جف مک نلی مقایسه می کنند.

اگر بنت، برنده ی جایزه ی پولیتزر ۲۰۰۲، همین طور به دریافت جوایز متعدد هنری ادامه دهد، مطمئناً در آینده ی نه چندان دوری او در ردیف افراد برجسته قرار خواهد گرفت. بنت علاوه بر بردن جایزه ی پولیتزر، موفق به دریافت دو جایزه ی مهم سال ۲۰۰۲ یعنی جایزه ی فیش چینی (Fish-chetti) و سیگما دلتاچی (Sigma Deltachi) از انجمن خبرنگاران حرفه ای شده است. البته وی در هر یک از این دو مسابقه به عنوان سردبیر و کاریکاتورگراف به دریافت افتخارات فوق نائل شده است. بنت بلافاصله پس از دریافت این جوایز، خبر کسب جایزه ی پولیتزر را در هشتم آوریل سال ۲۰۰۲ دریافت کرد.

نزدیک پایان سال ۲۰۰۲، دانشکده ی سوارت مور نمایشگاهی از آثار بنت را در کتابخانه ی مک کیب ترتیب داد. او از زمان پیوستن به روزنامه مونیتور در سال ۱۹۹۸، سه بار کاندید دریافت جایزه ی پولیتزر در سال های ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ بوده است. همچنین وی دویار در سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ موفق به دریافت جایزه National Head-liner گردیده است. وی در این رقابت ها به عنوان ویراستار و ناشر مجله (۲۰۰۱) شرکت داشت.

بنت اولین جسیایزه ی خود را به عنوان یک کاریکاتورگراف در سال ۱۹۷۹ از انجمن روزنامه نگاران دریافت کرد. این در حالی بود که وی در آن سال روزنامه ی دانشگاه را تاسیس کرده و به همراه دوستانش کارهایی را انجام داده بود. بنت در تمام دوران هنرش موفق به کسب ۲۰ جایزه ی بزرگ از مراکز هنری سرشناس شده است.

ساده به سادگی کاریکاتور Simple like cartoon

کلیان کاریکاتور ۴

در زمینه‌ی تجزیه و تحلیل‌های تاریخی در مورد کاریکاتورها و ویرایش آنها، باید از بنت به عنوان یکی از هنرمندان مبتکر یاد کرد. او یکی از اولین پیشگامان هنر کاریکاتور است که در کارها و آثارش به طور کامل از کامپیوتر استفاده می‌کند. اگر هنرمندان معاصر متکی به قلم، تصویر، مداد شخصی و یا قلم مو برای ثبت آثار خودند، بنت کامپیوتر را بهترین وسیله برای تجلی افکاری می‌داند که از درجه‌ی چشمان بر پرده‌ی ذهن نقش می‌بندد.

وی ابتدا با استفاده از قلم مو، تصویر مورد نظرش را روی کاغذ می‌کشد. سپس آن را برای وارد کردن به کامپیوتر اسکن می‌کند. بعد از این کار، از طریق برنامه قدرتمند فتوشاپ تغییرات مناسب، از جمله سایه روشن‌ها، را بر روی آن پیاده می‌کند. وی همچنین با استفاده از تصاویر موجود در اینترنت، سعی می‌کند از موارد مناسب استفاده کرده، آنها را در آثارش به تصویر بکشد. بنت همیشه بر این نکته تأکید دارد که استفاده‌ی او از کامپیوتر به دلیل صرفه جویی در زمان نیست. ترجیح می‌دهد هر کاری را با استفاده از کامپیوتر انجام دهد، حتی اگر زمان آن طولانی‌تر نیز بشود.



به شرطی که درست از آب درآید.

او در مصاحبه‌ای که با یکی از طرفداران آثارش از طریق اینترنت داشته و ۹۰ دقیقه نیز به طول انجامیده است، این نکته را اذعان داشته است که گاهی ساعت‌ها با همکاری بر سر عقاید و افکار خود به بحث و بررسی می‌پردازد. وی معتقد است که ۴۳ سال عمر خود را با این هنر جذاب گذرانده است.

بنت کار با کامپیوتر را خود به تنهایی آموخته است و با استفاده از فن‌آوری دیجیتال توانسته آثار کوتاه انیمیشن را تولید و روانه‌ی بازار کند. وی قبل از پیوستن به روزنامه‌ی «کریستین ساینس مونیتور» در سال ۱۹۹۸، سه اثر کوتاه ۳۰ ثانیه‌ای تولید کرد. البته هنگامی هم که در این روزنامه به عنوان کاریکاتوریست شروع به کار کرد، آثار کوتاه انیمیشنی نیز تولید می‌کرد. این آثار در حال حاضر در پایگاه شخصی او موجود است.

نشانی: <http://www.claybennett.com/about.html>

او افتخارهای زیادی به واسطه‌ی ابتکاراتش در استفاده از کامپیوتر کسب کرده است. ولی شهرت فراوان وی به عنوان یک کاریکاتوریست نمونه، بیشتر به خاطر حس زیباشناسی‌اش است که در آثار وی نمایان است. واکنش‌های طنزآلود بنت نسبت به وقایع و رویدادهای جاری در داخل و

خارج کشورش بسیار موشکافانه و قابل تعمق است.

برعکس تصاویر سیاه و سفیدی که در صفحات روزنامه‌های مختلف آمریکا به چاپ می‌رسد، کاریکاتورهای بنت بیشتر به صورت تمام رنگی در روزنامه مونیتور منتشر می‌شود. به هر حال، استفاده‌ی او از رنگ بسیار به جا بوده و در اکثر موارد از جذابیت زیادی برخوردار است. با این وجود، شاید آثار وی به صورت ظاهری نتواند آثار سایر هنرمندان و همکارانش را به طور کامل تحت الشعاع خود قرار دهد و در این رقابت طعم تلخ شکست را به آنان بچشاند.

ویکتوریا دوناهو (Donohoe)، یکی از بازدیدکنندگان نمایشگاه بنت در دانشکده سورات مور، معتقد است که وی در استفاده از رنگ‌ها و کلمات کاملاً موفق بوده و ترکیب این دو را به خوبی به انجام رسانده است.

این هنرمند در ترسیم سایه‌روشن‌ها بسیار ماهرانه عمل می‌کند، گویی که کلیه بخش‌های یک تصویر را در کنترل خود دارد. انجام این مهم او را قادر ساخته تا به جنبه‌های غیر مرسوم نین نظری بيفکند. ما با دیدن آثار بنت به این نکته دست می‌یابیم که وی هم به جنبه سنتی توجه دارد و هم به گونه‌ای ماهرانه عقیده و افکارش را در قالب تصاویری پرجاذبه به بیننده منتقل می‌کند.

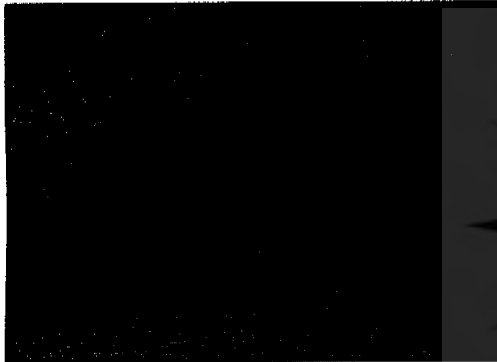
در کاریکاتورهای بنت، مانند آثار سایر هنرمندان اروپایی و آمریکای لاتین، شرح نیز به چشم می‌خورد. ولی این هنرمندان گفتگوها را هرگز در بالان قرار نمی‌دهند. آثار بنت حاوی پیام‌هایی است که بیننده با دیدن آن‌ها به راحتی آن‌ها را دریافت می‌کند.

کلیتون جونز، سردبیر ارشد روزنامه «کریستین ساینس مونیتور»، در مصاحبه‌ای در مورد آثار بنت، اظهار داشت: «آثار بنت باعث می‌شود بیننده برای مدت کوتاهی به فکر فرو رود. در نگاه اول، تنها کلیتی از تصویر در ذهن شما نقش می‌بندد، ولی هنگامی که کمی دقیق‌تر می‌شوید گویی آرام آرام معانی و مفاهیم پنهان شده در تصاویر، یکی یکی خود را نشان داده، به صورت بسیار جذابی جلوه می‌کنند.

در آثار بنت، اشکال ساده هندسی مانند دایره، مثلث‌ها و مستطیل‌ها وجود دارند. استفاده از این عناصر در تصاویر ساده‌ای از قبیل افراد و حیوانات و سرهای گردشان، شخصیت‌های آن‌ها را گیرا و به نوعی آسیب‌پذیر می‌نمایند. این تصاویر، ما را به یاد آثار چارلز ام شولز (charls M. schulz's) می‌اندازد. تصاویر ساده و بانمکی که تقریباً هر بیننده را به سوی خود جلب کرده، با استفاده از توانمندی هنرمند، تمام بینندگان را شیفته خود می‌سازد. می‌توان گفت که در این آثار زمختی اشکال به نوعی برطرف شده و پیام به گونه‌ای مناسب ساخته و پرداخته می‌شود. به این ترتیب، بیننده احساس خاصی پیدا می‌کند و مفاهیم از یک مسیر مناسب به ذهن او راه می‌یابند. «من در ترسیم شخصیت‌هایم سعی می‌کنم که احساس همدردی را به گونه‌ای که در خور توجه به بیننده

خود انتقال دهم. به صورتی که این حس به مراتب بالاتر از احساس آنزجار و تنفر باشد.» بنت در ادامه می‌افزاید: «هنگامی که شما بر روی کاغذ، تصویری می‌کشید، باید بیننده‌ی خود را در مقابلتان احساس کنید. من همیشه سعی می‌کنم مردم احساس کنند که یک سیاستمدار مجرب‌اند. می‌خواهم طوری با مسائل جامعه برخورد داشته باشم که تمام آنها را چون آینه‌ای مقابل مردم قرار دهم و آن‌ها بتوانند با دید خودشان به این مسائل نگاه کنند.»

«هنر طعنه زنی، عنوان نمایشگاه بنت بود که در دانشگاه سورات مور برگزار گردید. موضوع این نمایشگاه به دولت جورج دبلیو بوش اشاره داشت. اصولاً یک کاریکاتوریست باید حافظ امنیت ملی باشد و از شیوه حکومتی انتقاد کند، البته اگر اشکالی در آن می‌بیند. بنت در این زمینه معتقد است که تخلف از حقوق شهروندان و همچنین عدول از قانون اساسی گناهی نابخشودنی است. وی بر این باور است که شیوه‌ی مبارزه‌ی جورج بوش بر علیه تروریست که با موشک و گلوله همراه بوده، کاری کلاماً عبث و بیهوده است. بی‌تجربگی بوش



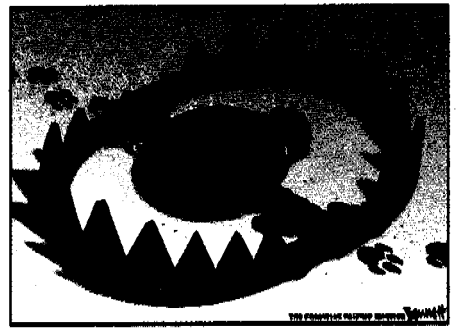
در امور خارجی و نداشتن یک خط مشی کلی در مسائل اقتصادی، حکومت او را بیش از پیش ضعیف و ناتوان ساخته است.

فساد، حرص و طمع سردمداران و وجود بی‌اعتمادی در جامعه آمریکایی و همچنین حضور خشونت و فقر در جوامع جهان سوم، همه و همه از جمله عسواملی‌اند که روابط سالم دیپلماتیک میان ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و موجب بروز مشکلات زیادی در جامعه آمریکایی شده است.

بنت طرفدار محیط زیست و مبارزه با هرگونه بی‌عدالتی اجتماعی است. وی خواهان ایجاد یک محیط سالم انتقادی در جامعه آمریکایی است و به همین دلیل همیشه سعی می‌کند که اضطراب و نگرانی ملت را از وقایعی مانند یازدهم سپتامبر به نوعی به تصویر بکشد.

بی‌شک، توجه وی به این‌گونه مسائل خود عامل مهمی در پیروزی‌اش در کسب جایزه پولیتزر ۲۰۰۲ بوده است. بنت به ندرت در کاریکاتورهای خود شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد: «مدت‌ها پیش من کارم را با روزنامه مونیتور آغاز کردم و تاکنون برای این روزنامه کاریکاتورهای زیادی کشیده‌ام. تجربه به من نشان داده است که مشکلات جاری کشور به بعضی از سیاستمداران مربوط نمی‌شود.





مقابل آن‌ها عبور کنید.»

بنت همیشه به هنرمندانی اشاره دارد که در کارهایش از آن‌ها الهام گرفته و آثار آن‌ها بر روحیه و تفکراتش مؤثر بوده‌اند. وی موفقیت خود را مرهون افکار و تخیلات هنرمندانه آن‌ها می‌داند، هنرمندان آمریکایی از جمله تونی اوس (Auth) جف مک نلی (Macnelly)، پت اولفانت و بل کنراد (Aliphant, conrad).

به علاوه، او در این زمینه از هنرمندان اروپایی و آمریکای لاتین نیز یاد می‌کند و معتقد است که پیش‌تر رشد و پیشرفت خود را مرهون آثار هنرمند آرژانتینی کینو (Quino) است: «هنگامی که برای اولین بار آثار کینو را دیدم، حس کردم او چقدر می‌تواند در هدایت من نقش داشته باشد. شیوه‌ای که وی در آثارش به کار می‌برد، به طور باورنکردنی مشکلات مرا یکی پس از دیگری حل می‌کرد. به این ترتیب من هر روز به او علاقه‌ی بیشتر می‌پیدا می‌کردم و آثارش در تشویق به کار بسیار مؤثر بود.»

پیشرفت و رشد یک هنرمند

بنت از کودکی آرزو داشت که یک کاریکاتوریست مشهور باشد. خودش گفته است که از ۵ سالگی به خوبی می‌دانسته که روزی یک کاریکاتوریست خواهد شد. او پیش‌تر مدت زندگی‌اش را در جنوب آمریکا گذرانده است. در بیست و نهمین ژانویه ۱۹۵۸ در کلیفتون در جنوب ایالت کارولینا دیده به جهان گشود. او فرزند یک نظامی بود که غالباً ناچار بود با خانواده‌اش به جاهای مختلفی نقل مکان کند. بنت قبل از فارغ التحصیل شدن از دبیرستان اس آر باتلر در هانتس ویل، ۱۰ بار مدرسه خود را عوض کرد. فضای خانواده او بسیار مناسب بود و وی همیشه در خانه شاهد بحث‌های مختلفی درباره مسائل مختلف بود، به صورتی که در او علاقه روز به روز نسبت به هنر کاریکاتور افزایش می‌یافت.

اولین کارهای خود را زمانی که دانشجوی سال اول دانشگاه در آلبامای شمالی در فلورنس بود، ارائه داد. وی در آنجا مشغول تحصیل در رشته روزنامه نگاری بود و تا سال دوم دانشکده به این کار ادامه داد تا این که مدیر روزنامه چند کار او را نپذیرفت. این کار عملاً حقوق دانشجویان روزنامه نگاری را که مورد حمایت دانشگاه بودند، نقض می‌کرد: «آخرین کاریکاتوری که برای آن روزنامه کشیدم، در مورد tele ranglism بود که مورد اعتراض مدیرمسئول روزنامه قرار گرفت.»

علاقه و اشتیاق بنت به کاریکاتور و همچنین تلاش او در بیان آزاد عقاید، بخصوص عقاید دانشجویان روزنامه نگاری، باعث شد که او روزنامه "Flor-Ala" را ترک گفته، با کمک دوستانش روزنامه "Biased News" را که هفته‌ای دو بار چاپ می‌شد، منتشر کند. وی به عنوان سردبیر این روزنامه فعالیت خود را در عرصه مطبوعات آغاز کرد: «ما داستان‌های ساختی از خود می‌نوشتیم که بر از حقایق موجود



در جامعه بود. آن‌ها بسیار جالب و پر از طنزهای انتقادی نمایش‌دار بود.»

بنت صفحه‌بندی "Biased News" را در آپارتمان خود انجام می‌داد. سپس دوستانش نمونه‌ها را برای چاپ از طریق یک راه مخفیانه به چاپخانه‌ای در تنسی می‌بردند. آن‌ها توانستند در گام اول ۵ هزار نسخه از این روزنامه را چاپ کنند که برای هزینه این کار هر کدام ۲۰۰ دلار از جیب خود پرداخت کردند «ما نمی‌توانستیم برای روزنامه‌مان مجوز چاپ بگیریم.»

در محوطه یک چاپخانه زیرزمینی جنبش وصف‌ناشدنی به وجود آمده بود. بنت در این زمینه می‌گوید: «کمک گرفتن از دوستان و دانشجویان دانشگاه بسیار آسان‌تر بود تا استفاده از توانایی‌های روسای دانشگاه». او و دوستانش از مخالفت روسای دانشگاه به خوبی مطلع بودند. بنابراین، قبل از انتشار روزنامه ارزیابی‌های اولیه خود را در مورد زمان انتشار و سایر مسائل موجود به عمل می‌آوردند تا روزنامه آن‌ها توقیف نگردد. بنت در مورد این تلاش‌ها می‌گوید: «من همیشه بر این عقیده‌ام که آزادی بیان باید در مطبوعات ما وجود داشته باشد و مخالفت‌های سنتی از میان برود.»

اولین کار هنری بنت پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه آلبامای شمالی در سال ۱۹۸۰ آغاز شد. وی در نشریه "Pittsburghpost gazette" شروع به کار کرد: «من فرصتی برای کشیدن کاریکاتورهای سیاسی نداشتیم، این درحالی بود که روزنامه «یو اس ای تو دی» که تا آن موقع تازه تاسیس شده بود و همچنین "Post gazette" از من برای کار دعوت کرده بودند.»

بنت حدود ۶ ماه برای نشریه pittsburgh کار کرد و سپس به فی تی ول (شمال کارولینا) رفت و به جای دایانا سامر که کاریکاتورهای سیاسی برای «تایم» می‌کشید، شروع به کار کرد. او کاریکاتورهای سیاسی خود را مانند سایر کارهای هنری برای مجله فی تی ول تایم کشید: «فی تی ول تایم "Fayetteville times" هر کاریکاتوری را که من می‌کشیدم چاپ می‌کرد.» وی ۶ ماه در این نشریه کار کرد و سپس به مجله «تایم» (فلوریدا) نقل مکان کرد و به مدت ۱۳ سال به عنوان یک کاریکاتوریست در آنجا انجام وظیفه کرد.

هنگامی که بنت به مجله «تایم» رفت، با رابرت بیت من (pitman) که سردبیر مجله بود، آشنا شد. وی فردی بسیار زیرک و باهوش بود: «بیت من مرد فوق‌العاده‌ای بود. او یک رئیس فعال و فردی باهوش بود که قلمی بسیار قوی نیز داشت. بیت من هنر تشویق کردن را به خوبی می‌دانست. در واقع، او یک نجیب‌زاده پیر بود که به آنچه می‌دانست اعتقاد مسلم داشت. وی فردی دمکرات بود.»

طبق نظر بنت، پینال کانتری (country) یک محافظه کار سیاسی بود، اما «تایم» شیوه لیبرالی

بنابراین، این مسئله بر نگرش من نسبت به افراد تأثیرگذار بوده است. همیشه سعی می‌کنم، حواسم را بر مسائل جامعه متمرکز سازم، تا بر شخصیت‌های خاص به طور صرف.»

بنت از جمله افرادی است که به مسائل داخلی کشور بیش‌تر اهمیت می‌دهد تا مسائل خارجی. او نقاط ضعف کارهای خود را به خوبی می‌پذیرد، به خصوص در زمانی که به عنوان یک کاریکاتوریست مشهور در روزنامه مونیتر فعالیت خود را آغاز کرده و هربار بیش از نیمی از اخبار روزنامه به آثار و کارهای او اختصاص یافته است.

من فکر نمی‌کنم که آن‌طور که باید و شاید توانسته باشم به تمام مسائل جهانی بپردازم. اگر نقطه ضعفی هم داشته باشم، فکر می‌کنم این نقطه ضعف میان من و سایر کاریکاتوریست‌های کشور مشترک باشد، زیرا بیش‌تر ما دیدگاه‌های یکسانی نسبت به مسائل موجود در جامعه داریم.

روزنامه مونیتر گاهی اخبار و با داستان‌های دنباله‌داری را به چاپ می‌رساند که در اکثر آن‌ها به مسئله فرهنگ میان ملت‌ها تأکید فراوانی شده است. اما در مقابل، کاریکاتورهای بنت تقریباً در هیچ موردی به ستایش یا نکوهش فرهنگ خاصی نمی‌پردازد. وی معتقد است که طبیعت طنز و کاریکاتور هرگز بدین گونه نیست.

بنت و همکارانش تقریباً عقاید مشترکی نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه دارند. درست برعکس عقاید توماس نست در اواخر قرن نوزدهم، «تغییر و تحول برای گزارشگران و روزنامه‌نگاران از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه، کاریکاتوریست‌ها برعکس بنت نمی‌توانند واکنش‌های عمومی جامعه را نادیده انگاشته و با بی‌تفاوتی با آن‌ها برخورد کنند. در واقع، یک هنرمند کاریکاتوریست بخشی از معادله است و من مطمئن نیستم که هر عاملی قادر باشد تا تغییرات کلی را به یک‌باره در او ایجاد کند.»

رابرت لیرد (Laird) ویراستار روزنامه «نیویورک دیلی» و همکار بنت در سندیکای روزنامه‌نگاران، در مصاحبه‌ای با «Editol and Publisher» در مورد عقاید هنری بنت اظهار داشت: «دیدگاه بنت نسبت به حوادث جاری در جهان معاصر بسیار متفاوت و پرمعنی است.» او افزود: «ما در انجمن کاریکاتوریست‌های کشور به روز با کاریکاتورهای زیادی برخورد می‌کنیم که همگی در اکثر موارد به یک یا چند موضوع مشترک اشاره دارند و در واقع نوعی اتفاق درحالی که آثار بنت از نظر سبک و سیاق تفاوت‌های زیادی با آثار سایر هنرمندان دارد.» لیرد در مورد آثار بنت و کاریکاتورهایش افزود: «آثار بنت همگی دیدنی و در اکثر موارد منحصر بفرد است، به گونه‌ای که شما را میخکوب کرده و وادار به فکر می‌کند. گویی نمی‌توانید به راحتی از

کیهان کاریکاتور ۲۲

را در پیش گرفته بود: «من آنجا را دوست داشتم در واقع هیچ گونه مشکلی میان من و ویراستار وجود نداشت و کارهایم به آسانی اجازه چاپ می گرفت.» هنگامی که پیت من در ۱۹۹۳ بازنشسته شد، کار بنت کمی سخت تر و شاید بدتر شد. سردبیر جدید «تایمز» نه حزب سیاسی بنت را دوست داشت، و نه به لحاظ شخصیتی علاقه ای به وی داشت. در روزی که مصادف با سیزدهمین سال ورود بنت به «تایمز» بود، اختلافی میان او و سردبیر جدید رخ داد که روز به روز شدیدتر گشت. برندگان نهمین جایزه ی پولیتزر همگی از عقاید بنت طرفداری می کردند. از طرفی، ۱۲۰ نفر از کارمندان مجله «تایمز» طی یک درخواست کتبی خواستار بازگشت بنت به کار شدند. حتی روزنامه ی «واشنگتن پست» از بنت و کارهایش ستایش کرد. تقاضای بازگشت او را از مدیر مسئول مجله کرد. بنت خود در این باره می گوید: «دوستانم بخصوص هم دانشگاهیانم از من به عنوان یک فرد با تجربه یاد کردند و مرا به عنوان یک کاریکاتوریست مجرب مورد ستایش و تمجید خود قرار دادند و خواستار ابقای دوباره من در مجله شدند.»

با این همه، بنت به دفتر مجله باز نگشت و به مدت ۵ سال گرفتار مشکلات مالی و حرفه ای در کارش شد. او نمی توانست موقعیت مناسب دیگری در سایر روزنامه ها پیدا کند. مشکل اصلی ای که او با آن دست به گریبان بود، این بود که روزانه ۱۶۶۱ روزنامه در ایالت متحده چاپ می شدند که به طور متوسط ۱۲۰ کاریکاتوریست به طور تمام وقت در آن ها مشغول به کار بودند. حتی با وجود سوابق روشن بنت در زمینه هنر کاریکاتور، ظاهراً هیچ راهی برای او وجود نداشت. هنگامی که وی کارش را در St. Petersburg Limes ترک کرد، توسط کینگ فیچرز (features) عضو انجمن روزنامه نگاران شد. این سندیکا حتی پس از بیکار شدن بنت، آثارش را به چاپ می رساند، اما در آمدی که از این راه به دست می آمد کفاف زندگی وی را نمی داد و بسیار ناچیز بود.

با این شرایط، او مجبور شد در مدرسه هنر به تدریس بپردازد و شروع به طراحی های تبلیغاتی کند. بنت در دوره ای از زندگی که از نظر او بسیار تیره و تاریک بود، تجربه ای کمی در مورد انیمیشن به دست آورد که در پایگاه اینترنتی وی موجود است. بنت پس از تولید این کارها نتوانست آن طور که باید و شاید آن ها را در بازار بفروش برساند. این سال ها برای او بسیار سخت و طاقت فرسا بودند و تا ۱۹۹۷ دوران رکورد شغلی او ادامه یافت «فکر می کردم که دوران کارم در زمینه کاریکاتور دیگر به پایان رسیده است. در واقع، حس می کردم که دیگر به آخر خط رسیده ام و این پایان دوران کاری من است.»

در این زمان، سردبیر روزنامه «کریستین سانیس مونیاتور» که به دنبال یک کاریکاتوریست ماهر می گشت با جف دنزیگر (Jeff Danziger) آشنا شد. او کارش را در ۱۹۸۶ در این روزنامه آغاز کرد. ولی بعد از مدتی میان جف و اعضای سندیکا مشاجره ای در گرفت. ابتدا به نظر می رسید که اختلاف موجود به زودی حل می شود، اما اختلاف میان دنزیگر و سردبیر روزنامه روز به روز شدیدتر شد. البته کاریکاتورهای دنزیگر بسیار نیش دار و گاهی بدبینانه بود. او اگرچه سال ها برای روزنامه مونیاتور کاریکاتور می کشید، ولی هیچ گاه کاملاً نتوانسته بود با اعضای تحریریه روزنامه همگام و هم فکر شود. بنابراین، در بسیاری

از موارد احساس راحتی نمی کرد.

دنزیگر در حال حاضر در روزنامه «تریبون» فعالیت می کند و کاریکاتورهای زیبایی برای آن ها می کشد. به این ترتیب اولین کاریکاتور بنت در روزنامه مونیاتور در اول ژانویه ۱۹۹۸ منتشر گردید.

تجزیه در «کریستین سانیس مونیاتور»

اعتماد روزنامه مونیاتور به کاریکاتوریست های خود به گونه ای است که راه را برای آن ها هموار می سازد و انتقادهای آن ها به عنوان یک فرد آمریکایی از شرایط حاکم در جامعه از سوی سایر روزنامه نگاران مورد توجه و احترام خاص قرار می گیرد. درک واقعی از تصاویر و کاریکاتور به اندازه ای است که شاید برای بیان آن ها نیازی به ارائه توضیحات اضافی نباشد. از طرفی، ارزش یک هنرمند واقعی را تمام روزنامه های آمریکا نمی توانند درک کنند و از جایگاه آن ها در جامعه بی خبرند. برای مثال، روزنامه «شیکاگو تریبون» مدت طولانی ای نیست که از کاریکاتوریست های تمام وقت استفاده می کند. با این وجود، به جای استفاده از آثار انجمن کاریکاتوریست ها ترجیح می دهد گه از کاریکاتورهای سرورس خبری «تریبون» استفاده کند. این روزنامه که به طور همزمان آثار دو برنده جایزه پولیتزر (دیگ لوچر) (Locher) و جف مک نلی را در صفحات خود چاپ کرد، ولی هنگامی که مک نلی در سال ۲۰۰۰ فوت نمود، چاپ آثار کاریکاتوریست خود را متوقف کرد. «نیویورک تایمز» نیز مثال دیگری در این مورد است که بیش از ۲۰ سال است آثار بعضی کاریکاتوریست های خود را به نمایش گذاشته است.

اما روزنامه مونیاتور با تیراژی حدود ۱۰۰۰۰۰ نسخه در روز از ۱۹۲۵ متکی به کاریکاتوریست خود بوده است.

کاریکاتوریست هایی که قبل از بنت در این روزنامه فعالیت می کردند، عبارت بودند از: پل آرچامک، گورسنی لی پلی، جین لنگ لی، برایان بارلینک و دنزیگر.

کلینتون جونز، سردبیر ارشد روزنامه مونیاتور، سبک کار بنت را بسیار نزدیک به آثار لی پلی (کاریکاتوریست مونیاتور در سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰) ارزیابی می کند: «آثار کلی بنت در سادگی بسیار شبیه آثار لی پلی است، اما نیش طنزهای کلی نسبت به آثار لی پلی کمی تیزتر است. لی پلی در جستجوی این است که سطح دانش خوانندگان خود را افزایش دهد، ولی بنت سعی می کند که درست فکر کردن را در میان خوانندگانش رواج دهد. در واقع کلی سعی می کند ارزش هایی را که ما بدان ها اعتقاد داریم، به نحو مطلوبی بیان کرده، با راه هایی که فراروی خواننده می گذارد، در تشریح آنها به ما کمک کند.»

کار در روزنامه ی مونیاتور بنت آن دانشجوی سرکش را وادار ساخت تا برای تکمیل آرزوهای خود گاهی به مصالحه و توافق با اعضای روزنامه دست زند. زیرا گاهی کاریکاتورهای بنت از سوی مراجع بالاتر مورد اعتراض قرار می گرفت و نیاز به اصلاح داشت. هر روز، صفحه ای اول که معمولاً کاریکاتورهای بنت در آنجا چاپ می شود، مورد کنکاش های موشکافانه سردبیر ارشد روزنامه و هیئت مدیره که متشکل از یک گروه ۵ نفره هستند، قرار می گیرد. این گروه افرادی اند که هسته ی مرکزی روزنامه را تشکیل داده، کلیه بخش های

روزنامه از تحریر تا چاپ را مورد نظارت قرار می دهند.

بخش سرمقاله تنها قسمتی است که باید مورد توجه زیادی قرار گیرد. از روز دوشنبه تا جمعه ی هر هفته، هر روز ساعت ۱۰/۵ قبل از ظهر، یعنی یک ساعت و نیم قبل از تحویل اخبار به حروف چینی، یک نمونه ی غلط گیری شده از روزنامه که شامل سرمقاله ها و پیش نویسی از کاریکاتورها است تحویل پل ون راسلم بورک، سردبیر ارشد روزنامه مونیاتور می گردد. این مطالب پس از او به ویلیام سل اوور، مدیر بخش چاپ که یکی از ۵ عضو هیئت مدیره است داده می شود. کنترول دوباره ی سرمقاله ها و کاریکاتورها اطمینان کامل را برای اعضای هیئت مدیره فراهم می آورد.

نکته ای که بنت همیشه در مصاحبه ها بر آن تاکید داشته، این است که تمام عقاید و افکار او در کاریکاتورهایش منعکس می شود. چون که اتاق کارش کنار اتاق کار بنت قرار دارد، کارهای تکمیلی را روی آثار بنت انجام می دهد. وی می گوید هنگامی که کلی روی پیش نویس خود کار می کند من نیز نظرات اصلاحی خود را در مورد آن بیان می کنم. ولی عقاید کلی و چگونگی ترسیم کاریکاتورها، همگی به عهده خود بنت است.

اگر من نظر مثبت خود را در مورد کاریکاتوری اعلام نکنم، آن اثر به سادگی اجازه ی انتشار نخواهد یافت. در واقع، پس از تأیید من و اعضای هیئت مدیره، کاریکاتور به دفتر مجله تحویل داده شده. برای چاپ آماده می شود.»

جونز در مورد جایه جایی های افراد گفت: «من دوست ندارم که این چنین جایه جایی هایی صورت گیرد، زیرا واقعاً کلی از کاریکاتوریست های انجمن به مراتب بهتر است.»

بنت به خوبی نقش دروازه بانی را در روزنامه درک می کند: «شما همیشه مجبورید که در مقابل ناشر پاسخگو باشید. من می دانم که اگر کاریکاتورهای من چاپ نشود، مطمئناً نظرات موجهی در مورد آنها وجود دارد.»

بنت هنوز تمایل دارد کسه در مورد کاریکاتورهایش دست به ریسک بزند: «کشیدن کاریکاتور یک شغل ساده و بی دغدغه نیست. در واقع، همیشه در مورد کاریکاتورها تصمیمات سخت و سختی گرفته می شود. بنابراین، گاهی مجبورم که شانسم را امتحان کنم.» او معتقد است که هرگز کاریکاتوری برای روزنامه مونیاتور نکشیده که از انتشار آن مطمئن بوده است.

بنت تنها کاریکاتوریست خانواده اش نیست، همسرش سندی پروشیس (Precious) از جمله کاریکاتوریست هایی است که در مجله «تایمز» فعالیت کرده و حوزه ی کاری اش مسائل اجتماعی و داخلی کشور است. این دو هنرمند پس از یک دوستی چند ساله که توأم با احترام متقابل نسبت به آثار یکدیگر بود، دو سال پیش با یکدیگر ازدواج کردند. علی رغم افتخاراتی که بنت در شغل خود به دست آورده است، همیشه بنت با آنها با فروتنی و خضوع برخورد می کند «من باهوش ترین کاریکاتوریست یا زیرک ترین سردبیر نیستم، اما مطمئناً یکی از افراد سخت کوش به شمار می آیم.»

